



بوی گل

زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه

شناخت نامه های امامت از بیان دهمین امام هدایت

حضرت امام علی الهادی علیه السلام

ابوالقاسم نیازمند مطلوبی

باهمکاری

اعضاء هیأت الزهراء علیها السلام



انتشارات نبأ

بوی گل
زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه
شناخت نامه های امامت از بیان دهمین امام هدایت
حضرت امام علی الهادی
ابوالقاسم نیازمند مطلوبی
باهمکاری
اعضاء هیأت الزهرا(س)

حروفچینی و صفحه آرایی: نیا چاپ و صحافی: پنج رنگ و صالحانی
چاپ اول: ۱۴۰۰ شماریگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال
ناشر: انتشارات نیا / تهران - خیابان شریعتی - بالاترازبهارشیراز - کوچه مقدم
- نبش ادیبی - پلاک ۲۶ طبقه ۳ تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۰۴۶۸۳
آدرس سایت: <http://nabacultural.org/fa>

شابک:



مرکزپخش:

مشهد مقدس - آخوند خراسانی ۱/۲ جنب مسجد میرحوی سابق فروشگاه طالبیان ۰۵۱-۳۸۵۵۵۹۴۷
رشت - خ شهدا - کوچه شهید عظیمی - جنب قنادی اسکندری - فروشگاه کتاب ۰۱۳-۳۳۸۲۵۷۶۰

عنوان قرارداد: زیارتنامه جامعه کبیره. فارسی-عربی. زیارتنامه غدیریه. فارسی-عربی | عنوان و نام پدیدآور: بوی گل: زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه: شناخت نامه های امامت از بیان دهمین امام هدایت حضرت امام علی الهادی (علیه السلام) / ابوالقاسم نیازمند مطلوبی با همکاری اعضاء هیأت الزهرا (علیهم السلام) | مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نیا، ۱۴۰۰ | مشخصات ظاهری: ۶۸ص | شابک: ۱۵۰/۰۰۰ ریال ۸-۱۳۲-۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: فیپا | یادداشت: کتابنامه: ص ۶۴ | عنوان دیگر: شناخت نامه های امامت از بیان دهمین امام هدایت حضرت امام علی الهادی (علیه السلام) | موضوع: زیارتنامه جامعه کبیره | موضوع: Jami'ah Kabirah prayer * | موضوع: زیارتنامه غدیریه | موضوع: Ghadiriya prayer | شناسه افزوده: نیازمند مطلوبی، ابوالقاسم، ۱۳۳۱- | شناسه افزوده: هیأت الزهرا (علیهم السلام) | رده بندی کنگره: ۲۷۱/۲۰۴۱ | رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۷ | شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۷۷۴۲

فهرست

مقدمه.....	۱
مختصری درباره زیارت جامعه کبیره.....	۵
زیارت جامعه کبیره.....	۸
مختصری درباره زیارت غدیریه.....	۲۸
زیارت غدیریه.....	۲۹
منابع.....	۶۴

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ.
وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبَرَاءَنَا فَأَصْلَحْنَا السَّبِيلَ؛^۱

روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیرورو می‌کنند، می‌گویند: «ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم.» و می‌گویند: «پروردگارا، ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند.»

در منابع شیعه و اهل سنت با الفاظ مختلف از رسول اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود:
«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةٍ؛ هر فردی که بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»^۲

از امام صادق علیه السلام پرسیدند آیا مقصود مردن در حالت کفر است؟ فرمود:
مردن در حالت گمراهی است و تصریح می‌کنند که اگر در عصر ایشان نیز فردی
بمیرد و پیشوایی نداشته باشد با مرگ جاهلی مرده است.^۳

فریاد ندامت اهل آتش که کتاب هدایت - قرآن - نقل کرده از یک سوی، و این سفارش
نبی اکرم ﷺ از سوی دیگر، لزوم شناخت امام برای راهیابی به سعادت ابدی را بر ما

۱- آیات ۶۶ و ۶۷ احزاب

۲- سید بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۵۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۱۰
احمد بن حنبل، درمسند خود، ج ۲۸، ص ۸۸ از رسول اکرم نقل می‌کند: «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.»
ابو داود، مسند، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۵؛ طبرانی، مسند الشاميين، ۴۰۵ق، ج ۲، ص ۴۲۷؛ مسلم، صحیح مسلم،
بیروت، ج ۳، ص ۱۴۷۸.

۳- کلینی، الکافی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۶

روشن می سازد. نیز به ما شیعیان عصر امام مهدی علیه السلام گوشزد می کند که صرف مدّعی شیعه بودن، برای سعادت و رهیدن از گمراهی کافی نیست و باید برای شناخت امام عصر خویش آزادگاه تلاش کنیم.

اما منظور از شناخت چیست؟

آیا کافی است که فقط نام و کنیه و نام پدر و اجداد معصوم امام زمانمان را بدانیم یا اطلاع اندکی از رویدادهای زندگی آن عزیزان درخاطر داشته باشیم؟

عموماً برای پیدا کردن معلمی حاذق که برای قبولی در کنکور راهنمای ما باشد به دانستن اسم و مشخصات ظاهری وی اکتفا نمی کنیم؛ بلکه درباره سطح تحصیلات، سوابق آموزشی و موفقیت ها و تجربیاتش تحقیق می کنیم و حداقل با کسانی که سابقه ی شاگردی او را داشتند مشورت می کنیم؛ پس چگونه برای شناخت معلم بزرگی که برای قبولی در امتحانات و ابتلائات روزگار و نیل به سعادت ابدی تنها دستگیر ماست، به شناخت شناسنامه ای و ظاهری بسنده کنیم؟

مسئلم باید فراتر از شناخت سطحی به معرفتی بیشتر دست یابیم، اما در کدام منبع به شناختی دقیق تر و عمیق تر نسبت به امام علیه السلام می توان دست یافت؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

« یا علی ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک، و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری؛ ای علی! خداوند متعال را شناخت به حقیقت شناختش جز من و تو، و تو را شناخت آن گونه که حق شناخت توست، جز خدا و من.»

حضرت امیر علیه السلام نیز در فرازی از خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه با مثالی شدت قرابت و نزدیکی اهل بیت با پیامبر خدا صلوات الله علیهم اجمعین را مانند پیراهن که به تن چسبیده است مطرح نموده و اهل بیت را بعنوان تنها یاران راستین او و گنجینه داران و درهای علوم وی معرفی می نمایند.

نَحْنُ الشَّعَارُ وَالْأَصْحَابُ وَالْخَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ وَلَا تُؤْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا، فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا سَمِيَ سَارِقًا.

بنا به این فرمایش امیر بیان علیه السلام تنها راه کسب معرفت الهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز وجود مقدس اهل بیت کریم اوست و بس.

پس فرستاده ی خدا و جانشینان راستین حضرتش را جز خدا و خودشان احدی نمی تواند به حق، توصیف کند. هر شناختی جز از این منبع الهی ره به جایی نمی برد و با حقیقت شناخت، فرسنگ ها فاصله دارد.

باید در مکتب امام زانو بزینم تا معرفت به او بیابیم.
اما در عصری که امام معصوم از جفا و غفلت مردم در پرده ی غیبت است و یازده امام پیش از او شهید چهل و جور مردم شدند، چگونه او را بشناسیم تا اطاعتش کنیم؟

چون که گل بگذشت و کفن شد خراب بوی گل را از که یابیم؟ از گلاب

امروز تنها گلاب ناب احادیث و روایات معصومین علیهم السلام است که می تواند غبار غفلت را از روح شیعیان بزداید و بوی خوش شناخت نسبت به آن گلهای سرسبد هستی را در فضای زندگی مان جاری سازد.

از بهترین منابع کسب این معارف، روایاتی است که در آنها به شیعیان شان آموزش می دهند که با چه الفاظی آنان را زیارت کنند.

بین این زیارت نامه ها که بهتر است آنها را شناخت نامه بنامیم؛ زیارت جامعه ی کبیره و زیارت غدیریه بسبب مضامین بلند و مفاهیم ارشمند، جایگاه ویژه ای دارد، که به رغم اعتبار بسیار و استناد به معصوم علیه السلام، بین شماری از ما متروک مانده است.

این دو، یادگار عزیز دهمین امام هدایت حضرت امام علی الهادی علیه السلام است. یکی از محورهای مهم فعالیت های فرهنگی - سیاسی این امام بزرگوار، جهت تبیین جایگاه واقعی اهل بیت علیهم السلام و گسترش مکتب تشیع، فرهنگ سازی برای زیارت قبور نیاکان خود، بویژه امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام بوده است.

به نظر می رسد که هدف امام هادی علیه السلام از این گونه اقدامات فرهنگی - سیاسی، تبدیل کردن زیارتگاه های اهل بیت علیهم السلام به مراکزی برای آشنا شدن مسلمانان با اسلام ناب و جایگاه اهل بیت علیهم السلام در اسلام بود.

این کوشش ارجمند، در برابر توطئه دشمنان اسلام علوی انجام گرفت که تلاش می کردند تا این پایگاه های مستحکم را در میان مردم، از بین ببرند و برای مقابله با شیادانی بود که با نشر افکار غلوآمیز خود در باره امامان علیهم السلام، زمینه ساز جدایی جامعه اسلامی از اهل بیت علیهم السلام می شدند. بدین سان، مجموعه ای از زیارت نامه های ارزنده و آموزنده، از این امام بزرگوار، به یادگار ماند.

برای اطمینان از اعتبار این زیارت نامه ها، باید پرسید: «زیارت جامعه کبیره» و «زیارت غدیریه»

چگونه بدست آمده است؟

باید دانست که اعتبار به قطعی بودن صدور روایات از ناحیه ی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام از چهار طریق به اثبات می رسد:

۱- **قواتر** (یعنی در هر طبقه روایی-طبق اصطلاح رجالی-راویان خبر به تعدادی باشند که هماهنگی آنان در گزارش غیر واقعی حدیث، عادتاً امکان پذیر نباشد و اطمینان حاصل شود که در ارائه گزارش، خطایی صورت نگرفته است.)

۲- **گردآوری قرائن** (اثبات صحت حدیث از راه گردآوری قرائن، بدین معناست که هر چند گزارش هادر حدی یقین آور نباشند، لیکن قرائن مختلفی که حکایت از درستی گزارش (روایت) دارند، به قدری باشند که برای محقق، به صدور روایت و صحت آن، اطمینان حاصل شود.)

۳- **قوت متن** (کارشناسان حدیث و کسانی که در شناخت سخنان اهل بیت علیهم السلام خبره اند، می توانند با ملاحظه متن گزارش های مستند به اهل بیت علیهم السلام و ارزیابی ضعف یا قوت محتوای آنها، میزان اعتبار و استناد سخنی را به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، مشخص نمایند.)

۴- **سند قابل وثوق** (چهارمین راه اثبات سخنی به اهل بیت علیهم السلام، ارزیابی سند آن و اطمینان به صداقت کسانی است که در سلسله سند، قرار دارند. گفتنی است که راه های اول و دوم، یقین آورند و راه سوم نیز می تواند برای کارشناسان خبره، اطمینان آور باشد؛ لیکن راه چهارم، اگر در کنار راه سوم یا دوم قرار نگیرد، تنها می تواند ظن به صدور روایت را اثبات نماید.)

زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه از جمله روایاتی هستند که علمای بزرگ حدیث شیعه نسبت به اتصال سند آن به امام هادی علیه السلام و انطباق مضامین آن با قرآن و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اطمینان دارند.

از آنجا که مضامین این دوزیارت شریف به نوعی مکمل یکدیگر است، بر آن شدیم این دو را در کنار هم قرار داده در یک مجموعه همراه با توضیحات و عنوان بندی هر فراز، تقدیم نگاه تشنگان معرفت آل الله صلی الله علیه و آله نماییم تا موجب آشنایی و بهره مندی بیشتر از مضمون آنها شود.

باشد که قدمی هر چند ناچیز در بسط معارف الهی اهل بیت علیهم السلام برداشته و موجبات رضایت آن گل های گلشن نبوت را فراهم آوریم.

مختصری پیرامون زیارت جامعه کبیره

در اصطلاح اهل حدیث، «زیارت جامعه» به زیارتهایی اطلاق می شود که بطور پراکنده و جداگانه از اهل بیت علیهم السلام روایت شده و به وسیله ی آنها تمامی اهل بیت، بدون اختصاص به فردی از ایشان، زیارت می شوند. زیارت های جامعه متعدد در کتابهای دعا، ذکر شده است.

اما از جامعترین و مهمترین آنها زیارتی است که امام هادی علیه السلام به درخواست یکی از شیعیانش به نام موسی بن عمران نخعی، انشاء فرموده اند. نخعی از امام خواسته بود زیارتی با گفتاری رسا و کامل برای زیارت همه ی ائمه علیهم السلام به او آموزش دهد.

متن فاخر و عمیق این زیارت از نگاه کارشناسان بزرگ حدیث با قران و سایر احادیث اهل بیت هماهنگی کامل دارد.

سلسله راویان این زیارت از محمد بن اسماعیل برمکی که از موسی بن عبدالله نخعی و نخعی از امام علی النقی الهادی علیه السلام نقل کرده، همه اشخاص این سلسله برای علمای رجالی شناخته شده هستند و در مورد ایشان چون و چرایی نیست. علاوه براین، نقل این حدیث در کتب متقدم شیعه، از جمله دو کتاب تهذیب و من لایحضره الفقیه که از معتبر ترین کتابهای حدیثی شیعه می باشند، دلیل مهمی بر قطعی بودن صدور آن از ناحیه معصوم علیه السلام است.

مرحوم شیخ المحدثین صدوق در مقدمه ی کتاب من لایحضره الفقیه تصریح کرده که تنها روایاتی را در این کتاب می آورد که آنها را صحیح می داند و طبق آنها، فتوا می دهد. مکاشفه های منقول از مولی محمد تقی مجلسی و نیز حکایت سید رشتی و شیخ انصاری که آورده اند یکی از طرق ارتباط شیخ با امام عصر ارواحنا له الفدا قرانت زیارت جامعه بوده و ایشان هنگام بروز مشکلات زیارت جامعه می خوانده و دری به رویش گشوده می شده است، از جمله قرائن دیگری هستند که اعتبار این متن را تایید می نمایند.

مرحوم آیت الله سیدعبدالله شیر در شرح خود بر زیارت جامعه موسوم به «الانوار اللامعة» از جلد پنجم کتاب روضة المتقین مرحوم مجلسی نقل می کند که در مکاشفه ای که مرحوم محمدتقی مجلسی تصریح دارد که رویا نبوده، تأیید و تحسین این زیارت را از امام رضا علیه السلام دیده است: مرحوم شیر در تأیید این مطلب، از مکاشفه ای که در حرم امام هادی و امام عسکری علیهما السلام برایش رخ داده می نویسد:

«دیدم مولای ما و مولای همه مردم، صاحب عصر امام زمان علیه السلام تکیه به قبر مطهر داده و روی به سوی در نشسته اند. وقتی آن حضرت را دیدم، باصدای بلند، مانند مداحان، شروع به خواندن زیارت جامعه کردم.

هنگامی که زیارت به پایان رسید، حضرت علیه السلام فرمودند:

«نِعِمَّتِ الزَّيَّارَةُ» چه زیارت خوبی است...

اما متن حدیثی که این زیارت شریف در آن آمده است:

قُلْتُ لَعَلِّي بَنَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَنَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بَنَ مُحَمَّدٍ بَنَ عَلِيٍّ بَنَ الْحُسَيْنِ بَنَ عَلِيٍّ بَنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام : عَلِمَنِي - يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ - قَوْلًا أَقُولُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ وَاحِدًا مِنْكُمْ. فَقَالَ عليه السلام : «إِذَا صِرْتَ إِلَى الْبَابِ فَقِفْ وَاشْهَدْ الشَّهَادَتَيْنِ وَأَنْتَ عَلَى غَسَلٍ، فَإِذَا دَخَلْتَ وَرَأَيْتَ الْقَبْرَ فَقِفْ وَ قُلْ : اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، ثَلَاثِينَ مَرَّةً ، ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ وَقَارِبْ بَيْنَ خُطَاكَ ، ثُمَّ قِفْ وَكَبِّرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثِينَ مَرَّةً ، ثُمَّ ادْنُ مِنَ الْقَبْرِ وَكَبِّرِ اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً تَمَامَ مَنَةِ تَكْبِيرَةٍ ، ثُمَّ قُلْ : ...

به امام هادی علیه السلام گفتم : ای پسر پیامبر خدا! به من، گفتاری رسا و کامل، آموزش بده تا هر گاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم، آن را بگویم. امام علیه السلام فرمود :

«چون به آستانه در [حرم] رسیدی، بایست و در حالی که غسل [زیارت] کرده ای، شهادتین بگو و چون داخل شدی و قبر را دیدی، دو باره بایست و سی مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو. سپس، اندکی با آرامش دل و وقار و متانت، راه برو و گام هایت را کوتاه بردار. آن گاه، بایست و سی بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو. سپس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو تا یکصد تکبیر، تمام شود.

آن گاه بگو : ...

حکمت مقدمات زیارت

این دستورات امام علیه السلام در مقدمه ی زیارت، همه برای ایجاد آمادگی روحی زائر، برای پذیرش معارفی است که در ادامه ی زیارت می آید.

ادای تکبیر در آغاز، و فرازی که شهادت به وحدانیت خداوند در آن آمده است، شاید آموزش این نکته ی توحیدی باشد که همه ی صفات بلند مرتبه ای که در حق ائمه علیهم السلام بیان خواهد شد، همه از مصدر خدای تعالی بوده و بس؛

و ائمه هدی - سلام الله علیهم اجمعین - با همه ی عظمت شان بنده های برگزیده ی خداوند تعالی هستند.

چنانکه حضرت امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابشان می فرمایند:

« إِنَّ اللَّهَ وَاحِدٌ أَحَدٌ مُتَوَحِّدٌ بِالْوَحْدَانِيَّةِ مُتَقَرِّدٌ بِأَمْرِهِ، خَلَقَ خَلْقًا فَقَوَّصَ إِلَيْهِمْ أَمْرَ دِينِهِ فَتَحَنَّنَ هُمْ. يَا ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ! نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَ شُهَدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَمْنَاؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَ خَزَائِنُهُ عَلَى عِلْمِهِ... »

خداوند یکتای بی همتا است، به وحدانیت بی نظیر است و تنها خالق او است. خلقی را آفرید و امر دین خود را به ایشان تفویض فرمود. ما آن گروه هستیم. پسر ابی یعفور! ما بیم حجت خدا در میان بندگان او و گواهان بر خلق و امینان بر وحی او و خزانه داران علم او...

(التوحید، صفحه ۱۵۲؛ بحار الأنوار، جلد ۲۶، صفحه ۲۶۰)

هر سلام ، می تواند اعتراف زائر به کمالات اهل بیت علیهم السلام تلقی شود. لذا در هر فراز به جنبه ای از این برتری ها اشاره می گردد.

اعتراف به کمالات ناشی از انتساب به رسول خدا صلی الله علیه و آله

فراز اول

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و جایگاه رسالت و عرصه رفت و آمد

الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَخُزَّانِ الْعِلْمِ وَ

فرشتگان و مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت و خزانه داران دانش و

مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَأُصُولِ الْكُرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ وَأَوْلِيَاءِ النِّعَمِ وَ

نهایت بردباری و ریشه های کرم و رهبران امت ها و سرپرستان نعمت ها و

عُنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ

و بنیادهای نیکان و استوانه های خوبان و رهبران سیاسی بندگان و پایه های کشورها و

أَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَأُمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَسُلَالَةَ التَّيِّبِينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ

درهای ایمان و امینان خدای رحمان و چکیده ی پیامبران و برگزیده رسولان

وَعَتْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و عترت بهترین گزیده پروردگار جهانیان و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الثَّقَى

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغ‌های تاریکی و پرچم‌های

و ذَوِیِ التَّهَى وَأُولِیِ الْحُجَى وَكَهْفِ الْوَرَى وَوَرَثَةِ

پرهیزگاری و صاحبان خرد و دارندگان زیرکی و پناهگاه مردمان و

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى وَحُجِّ اللَّهِ عَلَى

وارشان پیامبران و نمونه برتر و دعوت نیکوتر و حجت‌های خدا بر

أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

اهل دنیا و آخرت و عوالم پیشین رحمت و برکات خدا بر شما باد.

السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ، وَمَعَادِنِ

سلام بر جایگاه‌های شناخت خدا و مسکن‌های برکت خدا و معدن‌های

حِكْمَةِ اللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ

حکمت خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و جانشینان پیامبر خدا

اللَّهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و فرزندان رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

اعتراف به وصول اهل بیت علیهم السلام به بالاترین مرتبه ی قرب الهی و اینکه فقط آنان مرشد مردم برای رسیدن به قرب خداوند هستند

فراز چهارم

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ ، وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ ،

سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا و راهنمایان بر خشنودی خدا

وَالْمُسْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ ، وَالتَّائِمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي

و استقرار یافتگان در امر خدا و کاملان در محبت خدا و مخلصان در

تَوْحِيدِ اللَّهِ ، وَالْمُطَهَّرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ

توحید خدا و آشکار کنندگان امر و نهی خدا و بندگان گرامی او که در گفتار،

الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

بر او پیشی نمی گیرند و به دستورش عمل می کنند و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

اعتراف به امامت و خلافت الهی اهل بیت علیهم السلام

فراز پنجم

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ ، وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ ، وَالذَّادَةِ

سلام بر پیشوایان دعوت کننده و پیشروان هدایت کننده و سروران سرپرست و مدافعان

الْحُمَاةِ ، وَأَهْلَ الذِّكْرِ وَأُولِيَ الْأَمْرِ ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْيَةِ

حمایت کننده و اهل ذکر و صاحبان فرمان و باقیمانده خدا و برگزیدگان او و گروه او و

عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

صندوق دانش حق و حجت و راه و نور و برهان خدا و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

اعتراف به مقامات و مراتبی که اهل بیت علیهم السلام با بندگی خدا و پیروی از توحید و رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله به آنها نائل شده اند

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ

گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه است و برای او شریکی نیست، چنان که خدا برای خویش گواهی

لَهُ مُلَائِكَتُهُ وَأُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ،

داده، فرشتگانش و دانشمندان از بندگانش برای او گواهی دادند، معبودی جز او نیست، عزیز و حکیم است و

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى

گواهی می‌دهم که محمد بنده برگزیده و فرستاده پسندیده اوست، او را به هدایت

وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ،

و دین حق فرستاد تا بر همه آیین‌ها پیروز شود و گرداند هر چند مشرکان ناخوش دارند، و

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصَمُونَ الْمَكْرُمُونَ

گواهی می‌دهم که شما ایام پیشوایان راهنما، راه یافته، معصوم، مکرم،

الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَّامُونَ

مقرب پرهیزگار، راست گو، برگزیده، فرمانبردار خدا، قیام کننده به

بَأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِأَرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ،

فرمانش، عمل کننده به خواسته اش، دست یافته به کرامتش؛ شما را با دانشش برگزید و برای

وَارْتَضَاكُمْ لَغَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ

غیبتش پسندید و برای رازش انتخاب کرد و به قدرتتش اختیار کرد و به هدایتش عزت داد و

بُهْدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَانْتَجَبُكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ،
 به برهانش اختصاص داد و برای نورش برگزید و به روحش تأیید فرمود و شما
 وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحَجَّاجًا عَلَى بَرِّيَّتِهِ، وَأَصَارًا لِدِينِهِ،
 راپسندید برای جانشینی در زمینش و دلایل محکمی بر مخلوقاتش و یاورانی برای دینش
 وَحَفَظَةً لِّسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِّعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا لِّحُكْمَتِهِ،
 و نگهبانانی برای رازش و خزانهدارانی برای دانشش و محل نگهداری برای حکمتش
 وَتَرَاجِمَةً لِّوَحْيِهِ، وَأَرْكَانًا لِّتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ،
 و مفسران وحی اش و پایه های یگانه پرستی اش و گواهانی بر خلقش و
 وَأَعْلَامًا لِّلْعِبَادِهِ، وَمَنَارَاتٍ فِي بِلَادِهِ، وَأَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ.
 پرچم هایی برای بندگانش و مراکز نوری در کشورهایش و راهنمایانی بر راهش.

اعتراف به عصمت اهل بیت

فراز هفتم

عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ
 خدا شما را از لغزش ها حفظ کرد و از فتنه ها ایمن داشت و از
 مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا.
 لودگی پاکتان نمود و پلیدی را از شما دور کرد و پاک و پاکیزه ساخت.

اعتراف به اینکه اهل بیت علیهم السلام تمام وظایف خود در دعوت به توحید و شرایع دینی را کاملاً انجام داده اند

فَعَزَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ،

پس شما هم عظیم شمردید، شوکتش را و بزرگ دانستید مقامش را و ستودید کرمش

وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَحْتُمُ لَهُ فِي السِّرِّ

را و ادامه دادید ذکرش را و استوار نمودید پیمانش را و محکم کردید گره طاعتش را و

وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ،

در نهان و آشکار برای او خیرخواهی نمودید و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه او

وَبَدَّلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ،

دعوت کردید و جان خود را در خشنودی او تار نمودید و بر آنچه در مسیر او به شما

وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ،

در رسید صبر کردید و نماز را پیا داشتید و زکات پرداختید و به معروف امر نمودید و از

وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ

منکر نهی کردید و جهاد در راه خدا نمودید، آن گونه که شایسته بود تا دعوتش را آشکار

دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ

کردید و واجباتش را بیان فرمودید و حدودش را بر پا داشتید و قوانین

أَحْكَامِهِ، وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَرَّيْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا،

احکامش را پخش نمودید و روش او را انجام دادید و در این امور از جانب خدا به مقام رضا در رسیدید

وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى.

و تسلیم قضای او گشتید و رسولان گذشته او را تصدیق نمودید.

اعتراف به اینکه شرط هدایت به حق ، متابعت محض
از اهل بیت علیهم السلام است



فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمَقْصُرُ فِي

پس روگردان از شما خارج از دین و ملازمان ملحق شونده به شما و کوتاهی کننده

حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ

در حقیقتان قرین نابودی است، و حق همراه شما و در شما و از شما و به سوی شماست و شما

أَهْلُهُ وَمَعْدَنُهُ، وَمِيرَاثُ النَّبَوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ،

اهل حق و سرچشمه آن هستید و میراث نبوت نزد شماست و بازگشت خلق به سوی شما و

وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ،

حسابشان با شماست و سخن جدا کننده حق از باطل نزد شماست، نشانه‌های خدا پیش شما

وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ.

و آیات محکم او در حق شما و نور و برهانش نزد شماست و امر او متوجه شماست.

ثمرات و نتایج متابعت از اهل بیت علیهم السلام



مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ،

آن که شما را دوست دارد، خدا را دوست داشته و هر که شما را دشمن دارد خدا را دشمن داشته

وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ،

و هر که به شما محبت ورزد به خدا محبت ورزیده و هر که با شما کینه‌توزی کند، با خدا کینه‌ورزی نموده است.

وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ؛ أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ،

و هر که در پناه شما درآید، به خدا پناه آورده است. شما پناه راه استوار

و شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ،

و گواهان دنیا و شفیعان آخرت و رحمت پیوسته

و الْآيَةُ الْخُزُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ،

و نشانه انباشته و امانت نگاه داشته و درگاه حقی که مردم به آن آزموده می شوند،

مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ،

آنکه به سوی شما آمد نجات یافت و هر که نیامد هلاک شد، شما مردم را به سوی خدا

وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ،

می خوانید و به او راهنمایی می کنید و همواره در حال ایمان به او هستید و تسلیم او می یابید و به فرمانش عمل می کنید

وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ

و به راهش ارشاد می نمایید و به گفته اش حکم می کنید، هر که مشا را دوست داشت، خوشبخت شد و هر که مشا

وَالْأَكْرَمُ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ مَحَدَّكُمْ، وَضَلَّ مَنْ

را دشمن داشت به هلاکت رسید و هر که مشا را انکار کرد، زیانکار شد و هر که از شما جدایی نمود گمراه گشت،

فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنْ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ

هر که به شما تمسک جست به رستگاری رسید و هر که به شما پناه آورد ایمنی یافت، کسی که مشا را تصدیق نمود سالم

مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ،

ماند و هر که متمسک به شما شد هدایت یافت، کسی که از شما پیروی کند، بهشت جای اوست

وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ

و هر که با شما مخالفت ورزد، آتش جایگاه اوست، هر که منکر شما شد کافر است و هر که با

مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْحَجِّمِ؛ أَشْهَدُ أَنَّ

شما جنگید مشرک است و هر که شما را رد کند، در پست ترین جایگاه از دوزخ است؛ گواهی

هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ.

می‌دهم که این شأن و مقام در گذشته برای شما پیشی داشت و برایتان در آینده زمان جاری است.

اعتراف به مقامات باطنی و ملکوتی اهل بیت (علیهم السلام)

فراز یازدهم

وَأَنْ أَرْوَاكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيِّبْتُكُمْ وَاحِدٌ، طَابَتْ وَطَهَّرْتُ بَعْضُهَا

و گواهم که ارواح و نور و سرشت شما یکی است، پاکیزه و پاک شد،

مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَ لَكُمْ بَعْزُهُ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنْ

برخی از آن از برخی دیگر است، خدا شما را نورهایی آفرید و گرداگرد عرش خود قرار داد تا

عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَ لَكُمْ فِي يُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ،

با آوردنشان به دنیا بر ما منت نهاد و قرارشان داد در خانه‌هایی که اجازه داد رفعت یابند و نام او در آن‌ها

وَجَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ، وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ،

ذکر شود و درودهای ما را بر شما قرار داد و آنچه ما را از ولایت شما به آن مخصوص

طیباً لِحَلَقِنَا، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَتَرْكِیَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُونِنَا

داشت، مایه پاکی برای خلقت ما و طهارت برای جان ما و ترکیه برای وجود ما و کفاره

فَكُنَّا عِنْدَ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ؛

گناهان ماست، پس ما در نزد خدا از تسلیم شدگان به فضل شما و شناخته شدگان

فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْكَرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ،

به تصدیق جایگاه شما بودیم؛ خدا شما را به شریف‌ترین جایگاه گرامیان و برترین

وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الرُّسُلِينَ، حَيْثُ لَا يُلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ،

منازل مقربان و رفیع‌ترین درجات فرستادگان برساند، چنان‌که از پی‌رسنده‌ای به آن

وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ

نرسد و بالا رونده‌ای به آن راه نیابد و سبقت‌گیرنده‌ای از آن پیشی نجوید و طمع

مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صَدِيقٌ، وَلَا شَهِيدٌ،

کننده‌ای در یافتن آن طمع نرزد، تا آنجا که باقی نمی‌ماند ملک مقرب و نه پیامبر

وَلَا عَالِمٌ، وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ، وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا

مرسلی و نه صدیقی و نه شهیدی و نه دانایی و نه نادانی و نه پستی و نه والایی و

فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ،

نه مؤمن شایسته‌ای و نه فاجر بدکاری و نه گردنکش لجوجی و نه شیطان نافرمانی

وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ؛ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةُ أَمْرِهِمْ،

و نه خلق دیگری که در این میان گواه باشد؛ مگر اینکه خدا بر آنان بشناساند،

وَعِظَمَ خَطَرِهِمْ، وَكِبَرَ شَأْنِهِمْ، وَتَمَامَ نُورِهِمْ، وَصِدْقَ مَقَاعِدِهِمْ،

جلالت امر شما و عظمت مقام و بزرگی شأن و کامل بودن نور و درستی مسندها

و ثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَنَا، وَكَرَامَتِكُمْ

و استواری جایگاه و شرافت موقعیت و منزلت شما را نزد خویش و کرامتان را بر

عَلَيْهِ، وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ.

او و خصوصیتی که نزد او دارید و نزدیکی مقامی که نسبت به او برای شماست.

وظایف عملی و معرفتی شیعیان در مقابل اهل بیت (علیهم السلام در بعد اطاعت و دوست داشتن آنها) (تولی)

فراز دوازدهم

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ

پدر و مادرم و اهل و مال و طایفه‌ام فدای شما، خدا و شما را گواه می‌گیرم که من به شما و به آنچه شما

أَنَا مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَمِمَّا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَمِمَّا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ

ایمان آوردم باور دارم، نسبت به دشمنان و آنچه را شما به آن کفر ورزیدید کافر، بینام به مقام شما

بِشَانِكُمْ وَبِضَلَالَةٍ مِّنْ خَالَفُكُمْ، مُوَالٍ لَّكُمْ وَلَا وِلِيَّائِكُمْ، مُبِغِضٌ

و به گمراهی آنکه با شما مخالفت کرد، دوستدار شما و دوستان شما، دشمنی که نسبت به دشمنان

لَا عِدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلَمٌ لَّنِ سَالِكُكُمْ، وَحَرْبٌ لَّنِ حَارِكُكُمْ، مُحَقَّقٌ لِّمَا

شما و دشمن آنان، در صلح با هر که با شما در صلح است و در جنگ با هر که با شما جنگید، حق می دانم

حَقَّقْتُ، مُبْطِلٌ لِّمَا بَطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَّكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّبٌ بِفَضْلِكُمْ،

آنچه را شما حق دانستید و باطل می دانم آنچه را شما باطل دانستید، به فرمان شما، عارف به حقیقتان

مُحْتَمِلٌ لِّعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ

هستم؛ به برتری شما اقرار دارم، تحمل کننده دانش شما، پرهیزش پیمان و حرمت شما، به

بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظَرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ،

شما معترفم، به بازگشتان مؤمنم، رجعتان را تصدیق دارم، چشم به راه دولت شما، در انتظار حکومت

عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيبٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَّكُمْ، لَا يَنْدَعِثُ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى

شما به سمری یرم، گیرنده گفته شما هستم، عمل کننده به فرمان شما می باشم، پناهنده به شما، زائر شما

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ، وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَ مُقَدِّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ

هستم، ملتجی و پناهنده به قبر شما، خواهند شفاعت به درگاه خدای عز و جل به وسیله شما می باشم

إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَ شَاهِدٌكُمْ

و به سوی او به سبب شما تقرب می جویم و مقدم کننده شما پیش روی خواسته ام و حاجاتم و ارادتم در

وَعَاثِبُكُمْ، وَأَوَّلُكُمْ وَآخِرُكُمْ، وَمُقَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلِّمٌ

همه احوال و امورم، به نهنان و آشکارتان و حاضر و غائبتان و اول و آخرتان ایمان دارم و در همه این ها

فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ

و اگر داند کار به شما میم و در این ها به همراه شما تسلیمم؛ دلم تسلیم شماست و رأیم تابع شماست و

حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ،

یاری ام برای شما مهرباست تا زمانی که خدا دینش را به وسیله شما زنده کند و شما را در ایامش بازگرداند

وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ،

و برای عدالتش آشکارتان نماید و در زمینش پابرجایتان فرماید، پس با شما میم با شما، نه با غیر شما،

أَمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ.

به شما ایمان آوردم، آخرین شما را دوست دارم، همان طور که اولین شما را دوست داشتم.

تبری و دوری جستن از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)

فراز سیزدهم

وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمَنْ الْجَبَتْ

به سوی خدا از دشمنانتان بیزار می جویم، و نیز بیزاری نمودم

وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ،

از جبت و طاغوت و شیاطین و گروهشان، آن ستم کنندگان به شما

الْمُجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَالْغَاصِبِينَ

و منکران حَقَّتَن و خارج شدگان از ولایتان و غصب کنندگان میراثان و شک کنندگان

لِإِثْمِكُمْ، الشَّاكِينَ فِيكُمْ، الْمُتَخَرِّفِينَ عَنْكُمْ، وَمَنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ

در حقانیتان و منحرف شوندگان از حضرتتان و از هر گروهی به غیر شما که به آنها توجه شود

دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمَنْ الْأَئِمَّةُ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ.

و از هر اطاعت شده‌ای جز شما و از رهبرانی که مردم را به آتش دوزخ می خوانند.

طلب ثبات قدم در دوستی و اطاعت از اهل بیت (علیهم السلام) تا پایان عمر
از درگاه پروردگار؛ به بیان دیگر درخواست حُسن عاقبت



فَتَبَتَّنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّتْ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ،

پس خدا همیشه پابر جایم بدار تا که زنده‌ام بر موالات و محبت و دین شما و به اطاعت از شما موفقم

وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ؛ وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ

فرماید و شفاعت شما را نصیب کند؛ و مرا از برگزیدگان دوستانتان قرار دهد و از پیروی کنندگان

مَوَالِيَكُمُ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ،

نسبت به آنچه شما به آن دعوت کردید و مرا از آنانی قرار دهد که از آثار شما متابعت می کنند و به راه

وَيَسِّلُكَ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهِدَاكُمْ، وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ،

شما می روند و به هدایت شما هدایت می جویند و در گروه شما محشور می شوند و در زمان رجعتان

وَيَكْرِفِي رَجَعَتِكُمْ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشْرِفُ فِي

دوباره به دنیا بازمی گردند و در دولت شما به فرمانروایی می رسند و در دوران سلامت کامل شما

عافیتک، و يَمَكُنْ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُفَّتِكُمْ.

مفتخر می گردند و در روزگار شما اقتدار می یابند و فردا چشمشان به دیدار شما روشن می شود.

اهل بیت علیهم السلام باب الله هستند

فراز پانزدهم

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأْ بِكُمْ،

پدر و مادر و جان و خانواده و مالم فدای شما، هرکه آهنگ خدا کند، به وسیله شما آغاز می کند

وَمَنْ وَحَدَّ قَبْلَ عَنَّاكُمْ، وَمَنْ قَصَدَ تَوَجَّهَ بِكُمْ.

و هرکه او را به یکتایی پرستد، طریق توحیدش را از شما می پذیرد و هرکه قصد حق کند به شما توجه می نماید.

اهل بیت علیهم السلام وسائط فیوضات الهیه هستند

فراز شانزدهم

مَوَالِي لَا أَحْصِي شَاءَكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمُدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمَنِ الْوَصْفِ

ای سرورانم، نمی توانم شای شما را شماره کنم و در امر مدح گفتن، قدرت رسیدن به حقیقت

قَدَرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهَدَاةُ الْأَبْرَارِ، وَحُجَّ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَخَّ اللَّهُ،

شما را ندارم و در مقام وصف نمودن، توانایی بیان منزلت شما در من نیست و حال آنکه شما

وَبِكُمْ يُخْتَمُ، وَبِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ

نور خوبان و هادیان نیکان و حجت های خدای جبارید؛ خدا با شما آغاز کرد و با شما ختم

أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ أَنْفُسُ اللَّهِ، وَيَكْشِفُ الضُّرَّ،

می‌کند و به خاطر شما باران فرو می‌ریزد و تنها برای شما آسمان را از اینکه بر زمین فرو افتد نگاه می‌دارد، مگر با

وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَّلَتْ بِهِ رَسُولُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَإِلَى جَدِّكُمْ

اجازه خودش و به وسیله شما انبوه را می‌زداید و سختی را برطرف می‌نماید و نزد شماست آنچه را بر رسولانش

یا و اگر زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد بجای: وَإِلَى جَدِّكُمْ بگو: وَإِلَى أَخِيكَ

نازل فرموده و فرشتگانش به زمین فرود آورده‌اند و به جانب جد شما (و به سوی برادرت) روح الامین برانگیخته

بُعْثَ الرُّوحِ الْأَمِينِ، أَتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطًا

شد، خدا آنچه به شما عنایت کرده به احدی از جهانیان مرحمت نفرموده، هر شرافتمندی در برابر شرف شما سر

كُلُّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ، وَمَجَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ

به زیر انداخته و هر متکبری در مقابل طاعت شما گردن نهاده و هر جباری نسبت به برتری شما فروتن گشته است

كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ

و هر آفریدای برای شما رام شده است و زمین به نورتان روشن گشت و رسیدگان به ولایت شما رستگار شدند،

بُنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ،

تنها با شما راه به سوی بهشت را می‌توان پیمود،

وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ.

حضرت رحمان تنها بر کسی که منکر ولایت شما شود خشمگین است.

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ،

پدر و مادر و جان و اهل و مالم فدای شما باد، یاد شما در قلوب یادکنندگان

وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي

و نامتان در نام‌ها و تن‌هایتان در تن‌ها و ارواحتان در ارواح و جان‌هایتان

الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي

در جان‌ها و آثارتان در آثار و قبرهایتان در قبرها شاخص است؛ بسی شیرین است

الْقُبُورِ؛ فَمَا أَلْحَى أَسْمَاءَكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ،

نام‌هایتان و گرامی است جان‌هایتان و بزرگ است مقامتان و عظیم است

وَأَجَلَ خَطَرَكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ، كَلَامَكُمْ

مرتبه بلندتان و با وفاست پیمانتان و راست است وعده‌تان، سخن شما

نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ زُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى، وَفَعْلُكُمْ الْحَيْرُ،

نور و دستورتان راهنما و سفارشتان تقوا و کارتان خیر و روشتان احسان

وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ

و اخلاق و خویشتان بزرگواری و کار و رفتارشان حق و راستی و مدارا و

وَالصَّدْقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ،

گفتارتان حکم و حتم و رأیتان دانش و بردباری و دوراندیشی است،

إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرَ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفَرَعُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ.

اگر از خوبی یاد شود، آغاز و ریشه و شاخه و سرچشمه و جایگاه و نهایتش شماست.

فراز هجدهم اظهار عجز در احصاء فضایل و کمالات اهل بیت (علیهم السلام)

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ شَائِكُمْ، وَأُحْصِي

پدر و مادر و جانم فدای شما، چگونه شای نیکوی شما را وصف کنم و آزمون

جمیل بلائیکم، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ

زیبای شما را به شماره درآرد؟ در حالی که تنها به سبب شماست که خداوند، ما را از دلت بیرون برده و

الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ، وَمِنْ النَّارِ،

از گرفتاری های بزرگ به ما گشایش عنایت فرمود. و ما را از لبه پرتگاه هلاکت و از دوزخ نجات داد.

بَابِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا،

پدر و مادر و جانم فدای شما، خدا در تورات و ولایت شما امور دینمان را به ما آموخت، و آنچه از دنیایمان

وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ،

تبه شده بود، سامان داد و به موالات شما کلمه خدا کامل شد و نعمت عظمت یافت و

وَعَظُمَتِ النُّعْمَةُ، وَاتَّלَفَتِ الْفُرْقَةُ؛ وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ

جدا بی به گردهمایی رسید؛ و به موالات شما طاعت واجب شده پذیرفته می گردد

الْمُقَرَّضَةُ، وَلَكُمْ الْمُوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ،
و برای شماست مودّت واجب و درجات بلند و
وَالْمَقَامُ الْمُحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،
مقام پسندیده و جایگاه معلوم نزد خدای عزّوجلّ و
وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ.
شرف عظیم و رتبه بسیار بزرگ و شفاعت پذیرفته شده.

فراز نوزدهم تقاضای شفاعت از اهل بیت علیهم السلام برای پاکی از گناهان

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ،
ای پروردگرم، به آنچه نازل فرمودی ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را در شمار گواهان
رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ
بنویسی ای پروردگرم، دل‌های ما را پس از اینکه هدایت نمودی منحرف مکن و به ما از نزد خود رحمت
أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبِّنا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً؛ يَا وَلِيَّ
بخشش، همانا تو بسیار بخشندگی، منزّه هستی پروردگرم که وعده پروردگرم را امری انجام یافته هست؛
اللَّهُ إِنْ يَنِّي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَ،
ای ولی خدایم، درستی که بین من و خدای عزّوجلّ گناهانی است که آن‌ها لجز رضایت شما پاک نمی‌کند، پس
فَإِحْقِ مَنِ اتَّيَمَّنَكَ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَّنْ
به حقّ خدایی که شما را همین برراز خود قرار داد و سرپرستی زندگی بندگان را به شما سپرد و طاعت

طَاعَتُكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي، وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ

خود را بطاعت شما مقرون نمود، بخشش گناهانم را از خدای خود خواهید و شفیعان من شوید؛ کمن فرمانبردار

مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ،

شما میم، کسی که شما را اطاعت کند، خدا را اطاعت نمود و هر که از شما نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرد

وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ.

است و هر که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشت و هر که شما را دشمن دارد خدا را دشمن داشته است.

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

خدایا اگر من شفیعانی را به درگاه تو نزدیک تر از محمد و اهل بیتش، آن خوبان و پیشوایان و

الْأَخْيَارِ الْأَيَّمَّةِ الْأَبْرَارِ جَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَحَقَّقْهُمْ الَّذِي أَوْجَبَتْ لَهُمْ

نیکیان می یافتم، آن ها را شفیعان خود قرار می دادم پس به حَقِّشان که برای آنان بر خود

عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَحَقِّقْهُمْ وَفِي رُمَّةِ

واجب کرده ای، از تو می خواهم که مرا در گروه عارفان به آن ها و آشنای به حَقِّشان و در شمار رحم شدگان

الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

به شفاعت آن بزرگواران و آرد کنی، به درستی که تو مهربان ترین مهربانانی و درود خدا

وَأَلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

بر محمد و خاندان پاکش و سلام خدا، سلامی بسیار، بر آنان باد و خدا ما را پس است و کارگشای نیکو است.

مختصری پیرامون زیارت غدیریه

این زیارت شریف یادگاری دیگر از امام هادی علیه السلام است و از معتبرترین زیارات بشمار می رود. ضمن تجلی ده ها آیه از قرآن کریم، ۲۰۶ فضیلت از فضایل بیکران قرآن ناطق حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن آمده است. بعلاوه روایت شده که قرائت آن اختصاص به روز عید غدیر ندارد و در هر روز، از راه دور و نزدیک می توان آن را خواند.

جناب شیخ عباس قمی در مورد زیارت شریف غدیریه می نویسد:

«در تمامی زیارات مأثوره، زیارتی به این درجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمی شود.»

جالب است بدانیم در تمامی سلسله سند این زیارت بی نظیر، روات آن نه تنها عادل و امامی بلکه از اعلام درجه اول شیعه در هر عصر می باشند و سلسله سند آن از طریق سفیر خاص اول و سوم حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت امام حسن عسکری و حضرت امام هادی علیه السلام می رسد.

بزرگوارانی مانند ابن المشهدی، شاذان بن جبرئیل قمی، عماد الدین طبری، ابوعلی (مفید ثانی)، شیخ الطائفه طوسی، شیخ مفید، ابن قولویه، مرحوم کلینی، علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، حسین بن روح و عثمان بن سعید، سفیر خاص اول و سوم حضرت ولی عصر علیه السلام سلسله راویان آن هستند.

این زیارت، حاوی مطالبی از تاریخ ولایت است؛ از جمله: حدیث غدیر، غصب فدک، جنگ بدر، احزاب، أحد، نزول «السیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی»، جنگ حنین، صفین، جمل، نهروان، شهادت جناب عمار، شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، همچنین بیزاری از دشمنان ولایت و قاتلان حضرت سیدالشهدا علیه السلام و در آخر زیارت، بیزاری از منکران ولایت و قاتلان حضرت سیدالشهدا علیه السلام.

بوی گل

جناب حسین بن روح و جناب عثمان بن سعید که دونایب خاص امام عصر علیه السلام هستند هردو از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل کردند که فرمود:
 «در سالی که معتصم پدرم را از مدینه به عراق فراخواند، آن حضرت روز عید غدیر خم - هجدهم ذیحجه - در نجف اشرف، امیرالمؤمنین علیه السلام را با زیارت غدیریه، زیارت فرمود.»

متن این زیارت شریف در کتاب الْمَزَارُ الْكَبِيرُ تألیف محمد بن جعفر مشهدی (متوفای ۶۱۰ق) معروف به ابن مشهدی آمده است. او از عالمان شیعی است که بیشتر عالمان دین بر کتاب «المزار الکبیر» وی اعتماد کرده و بدان استناد جسته‌اند. وی از مشایخ بزرگ حدیث است که نامش در بسیاری از اجازات حدیثی دیده می‌شود. مرحوم شیخ عباس قمی نیز در مفاتیح الجنان بخش زیارات، این زیارت را نقل کرده است.
 در ادامه متن این زیارت با عنوان بند۱۱۱۱ برای آن برای درک بهتر مفاهیم بلندش به حضورتان تقدیم می‌گردد.

8

سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله

فراز اول

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران، و سرور رسولان، و برگزیده پروردگار جهانیان،

صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ وَالْحَاقِمِ

امین خدا بر وحی او و دستورات قطعی الهی، و ختم کننده آنچه گذشته،

لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

و گشاینده آنچه خواهد آمد، و چیره بر همه اینها، و رحمت

و بَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ.

و برکات و درودها و تحیات خدا بر او باد.

سلام بر انبیا و ملائکه علیهم السلام

فراز دوم

السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ

سلام بر پیامبران خدا و رسولانش، و فرشتگان مقرب

عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.

و بندگان شایسته اش.

سلام بر امیرالمومنین علی و بیان القاب و اوصاف ایشان

فراز سوم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان،

و وارث علم الثَّيِّبِينَ وَوَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ

و وارث دانش پیامبران، ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان،

و رَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان،

يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ.

ای امین خدا بر روی زمینش، و سفیر او در خلقش، و حجت رسایش بر بندگان.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ

سلام بر تو ای دین استوار خدا، و راه راستش.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ.

سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف دارند، و در مورد آن بازخواست شوند.

فضیلت های امیرالمومنین علیه السلام نسبت به دیگران

فراز چهارم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ مُشْرِكُونَ
سلام بر تو ای امیر مؤمنان، به خدا ایمان آوردی، درحالی که همه شرک می ورزیدند،

وَصَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ وَهُمْ
و حق را تصدیق کردی وقتی که آنان آن را تکذیب می نمودند و جهاد کردی درحالی که آنان از جهاد

مُجْمُونَ [مُجْحُونَ] وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ صَابِرًا
عقب نشینی می کردند، خدا را عبادت کردی، درحالی که خالص نمودی برای او دین را، صبر کردی

مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ؛ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.
و به حساب خدا گذاشتی، تا مرگ تو را در رسید، آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران.

القاب دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام

فراز پنجم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ
سلام بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین،

و إِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدَ الْعُرَّاءِ الْمُحْلِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
و پیشوای اهل تقوا، و مقتدای سپیدرویان، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

گواهی دادن به فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام

فراز ششم

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيَّهُ وَوَارِثُ عِلْمِهِ وَأَمِينُهُ
شهادت می دهم که تویی برادر رسول خدا، جانشین، و وارث علمش، و امین او بر قانونش، و

عَلَى شَرْعِهِ وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ

جانشین او در امتش، و اوّل کسی که به خدا ایمان آورد،

وَصَدَّقَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّهِ.

و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود تصدیق کرد.

شهادت بر وقایع روز غدیر خم

فراز هفتم

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أُنْزِلُهُ فِيكَ، فَصَدَعَ

و شهادت می‌دهم که آن حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم

بِأَمْرِهِ وَأَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ،

رساند، و امر خدا را درباره تو با صدای بلند اعلام کرد، و بر امتش حتمی بودن

وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوَّلِيَّ بِالْمُؤْمِنِينَ

طاعت و ولایت را واجب نمود، و بیعت تو را بر عهده آنان نهاد، و حضرت را نسبت به مؤمنان

مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ.

سزاوارتر از خودشان قرار داد، چنان که خدا خود او را این چنین قرار داد.

اعتراف مسلمانان

فراز هشتم

ثُمَّ أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَلَسْتُ قَدْ بَلَغْتُ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى،

سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود: آیا من آن نیستم که رساندم؟ همه گفتند: به

فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ

خدا آری. پس فرمود: خدایا گواه باش، و تو برای گواهی و حاکمیت بین بندگان بسی کافی هستی.

لعنت پیمان شکنان

فراز نهم

فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وِلَايَتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْإِثْقَاءِ.

پس خدا لعنت کند منکر ولایتت را بعد از اقرار، و شکننده پیمانت را پس از پیمان بستن.

گواهی به وفاداری امیرالمومنین علیه السلام

فراز دهم

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بَعْدَهُ

و شهادت می‌دهم که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی، و خدای تعالی وفا کننده به عهد خویش

وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.

برای توست، و هر کس به آن پیمانی که با خدا بسته وفا کند، خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد.

تعهد امت بر ولایت

فراز یازدهم

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوِلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ

و شهادت می‌دهم که تویی امیر مؤمنان آن حقی که قرآن به ولایتت گویا شد، و

وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولُ.

رسول خدا در این زمینه برای تو از امتت پیمان گرفت.

فضایل امیرالمومنین علیه السلام در قرآن

فراز دوازدهم

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ الَّذِينَ تَأَجَّرْتُمْ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ،

و شهادت می‌دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستی که با خدا به جانهایتان

فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ

معامله کردید، پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد: به درستی که خدا از مؤمنان

وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ

خرید جانها و اموالشان را، که در عوض به آنها بهشت برای آنان باشد، و در راه خدا

يُقَاتِلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ

پیکار می کند، پس می کشند و کشته می شوند، وعده ای است بر او، محقق شده در

أَوْفَى بَعْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبَشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ

تورات و انجیل و قرآن، و کیست که به عهد خود وفادارتر از خدا باشد، پس شادی کنید

هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ النَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ

به معامله ای که انجام دادید، و این است آن زیستگاری بزرگ. آنانند توبه کنندگان، عبادت کنندگان،

الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

روزه گیران، رکوع کنندگان، سجود کنندگان، امر کنندگان به معروف،

وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

نهی کنندگان از منکر، و نگهبانان حدود خدا، و به مؤمنان بشارت ده.

منحرفان از دین خدا

فراز سیزدهم

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ

شهادت می دهم ای امیر مؤمنان، که شك کننده در باره ات به رسول امین ایمان نیاورده، و اینکه روی

وَأَنَّ الْعَادِلَ بَكَ غَيْرُكَ عَانِدٌ [عَادِلٌ] عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي
گرداننده از ولایت به ولایت غیر، معاندانه روی گردان از دین است، دین استواری که پروردگار

ارتضاءه لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَكْمَلَهُ بَوْلَايَتِكَ يَوْمَ النَّدْوِينَ
جهانیان برای ما پسندیده، و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است.

امیرالمومنین (علیه السلام) صراط مستقیم

فراز چهاردهم

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمُعْنَى بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا
و گواهی می‌دهم که در این گفته خدای عزیز رحیم، مقصود تویی: به حقیقت این است راه راست من،

فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ. ضَلَّ اللَّهُ وَأَضَلَّ
از آن پیروی کنید، و راههای دیگر را پیروی ننمایید، که شما را از راه او پراکنده کند، به خدا سوگند گمراه

مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَعِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ. اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ
شد، و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی نمود، و کسی که متورادشمن داشت، ستیزه‌ورزان از حق روی گرداند.

أَطَعْنَا وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ فَأَهْدِنَا رَبَّنَا وَلَا تَرْغُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ
خدایا امرت را شنیدیم، و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی نمودیم. پروردگارا ما را هدایت کن، و بعد از

هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمْتَ.

اینکه ما را به طاعتت هدایت کردی دل‌هایمان را منحرف مساز، و ما را از سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار ده.

نفس الهی امیرالمومنین (علیه السلام)

فراز پانزدهم

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَىٰ مُخَالِفًا وَلِلنَّفْسِ مُخَالِفًا

و شهادت می‌دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف، و با پرهیزکاری هم‌پیمان،

وَعَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا وَعَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا وَإِذَا

و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و آمرزنده آنان بودی، و زمانی که خدا معصیت

عَصِيَ اللَّهُ سَاخِطًا وَإِذَا أَطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا وَبِمَا عَهْدَ إِلَيْكَ

می شود خشمناک، و هنگامی که اطاعت می شود خشنودی. به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عامل بودی، و

عَامِلًا، رَاعِيًا لِمَا اسْتَحَقَّتْ حَافِظًا لِمَا اسْتُودِعْتَ مُبَلِّغًا

آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی، و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی، و آنچه از

مَا حُمِلَتْ مُتَنَظِّرًا مَا وَعَدْتَ.

حق بر عهدهات نهاده شده بود رساندی، و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی.

مواضع امیرالمومنین علیه السلام در غضب خلافت

فراز شانزدهم

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَتَقَيْتَ ضَارِعًا وَلَا أُمْسَكَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا

و شهادت می دهم که از روی ناتوانی تقیه نکردی، و در اثر بی تابی و عجز از گرفتن حقت باز

وَلَا أَجْمَعْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِيكَ [غَاصِيكَ] نَاصِلًا وَلَا

نایستادی، و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غصبان ولایت قدم به عقب نگذاشتی، و به علت

أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرِضِي اللَّهَ مَدَاهِنًا وَلَا وَهْنًا

سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می کند اظهار خشنودی ننموده، و برای آنچه در راه خدا به

لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَكْنَتْ عَنْ

تو دررسیده سست نشدی، و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی،

طَلَبَ حَقِّكَ مُرَاقِبًا. مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ

پناه به خدا از اینکه چنین باشی، بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی، به حساب پروردگارت گذاشتی، و

اَحْتَسَبْتُ رَبِّيَّكَ وَفَوَّضْتُ اِلَيْهِ اَمْرَكَ وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا اَذْكُرُواوْ

کار خود را به او واگذار کردی، و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند، و اندرز دادی

وَعَظَّمْتَهُمْ فَمَا اتَّعْظُواوْ خَوَّفْتَهُمُ اللّٰهُ فَمَا تَخَوَّفُوا.

ولی قبول نکردند، و آنان را از خدا ترساندی، ولی نترسیدند.

گواهی به جهاد امیرالمومنین

فراز شانزدهم

وَأَشْهَدُ اَنَّكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ

و شهادت می‌دهم که تو ای امیر مؤمنان در راه خدا به حق جهاد کردی، تا اینکه خدا تو

حَتَّى دَعَاكَ اللّٰهُ اِلَى جِوَارِهِ وَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ

را به جوارش فرا خواند، و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد، و حجتت را بر

وَأَلْزَمَ اَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ اِيَّاكَ لِتَكُونَ الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ

دشمنان ختم کرد، که تو را کشتند، تا حجت به سود تو و زیان آنها باشد

مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ.

همراه با آنچه برای تو بود از حجت‌های رسا بر همه خلق.

معرفت به امیرالمومنین

فراز هفدهم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدَتَ اللّٰهُ مُخْلِصاً وَجَاهَدْتَ فِي اللّٰهِ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، خدا را خالصانه عبادت کردی، و صابرانه در راه خدا جهاد نمودی، و به حساب

صَابِرًا وَجَدْتَ نَفْسَكَ مُحْتَسِبًا وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ وَ

خدا جان‌بازی کردی، و به کتابش عمل نمودی، و روش پیامبرش را پیروی کردی، و نماز را پاباداشتی، و زکات

أَقَمْتُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ
راپرداختی، و به معروف امر کردی، و تا توانستی از منکر نهی نمودی. طالب بودی آنچه را نزد خداست، راغب

مَا اسْتَطَعْتُ مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ وَ
بودی در آنچه خدا وعده داد، کاسه صبرت از پیش آمدها لبریز نشد، و هنگام سختیها سست نگشتی، از

لَا تَهْنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَلَا تَحْجُمُ عَنْ مُحَارِبٍ. أَفْكَ مِنْ نَسَبٍ غَيْرِ ذَلِكَ
مقابل هیچ جنگجویی باز نگشتی، آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد، و به باطل دروغ بر تو

إِلَيْكَ وَافْتَرَى بَاطِلًا عَلَيْكَ وَأَوَّلَى لِمَنْ عِنْدَ عُنْكَ. لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي
بست، و وای بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند، به راستی در راه خدا به حق جهاد

اللَّهُ حَقَّ الْجِهَادِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرًا حِسَابَ. وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ
کردی، و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی، صبری به حساب خدا، تویی اول کسی که به خدا ایمان آوردی، و

أَمَّنَ بِاللَّهِ وَصَلَّى لَهُ وَجَاهَدَ وَأَبْدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرِكِ وَالْأَرْضُ
برای او نماز خواندی، و خود را در خانه شرک برای حق لشکر نمودی، در حالی که زمین

مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً وَالشَّيْطَانُ يُعْبِدُ جَهْرَةً وَأَنْتَ الْقَائِلُ: لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ
انباشته به گمراهی بود، و شیطان آشکارا عبادت می شد، و تویی گوینده این سخن: کثرت مردم در پیرامونم

النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَلَا تَقْرُقُهُمْ عَنِّي وَحُشَّةً وَلَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ
عزتی به من نیفزاید و پراکنده شدنشان ترسی به من اضافه نکند، اگر همه مردم از من دست بردارند، نالان

أَكُنْ مُتَضَرِّعًا عَظَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَ وَآثَرْتَ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى

نشوم، پناهنده به خدا شدی و عزت یافتی، آخرت را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی، خدا تأییدت نمود و

فَزَهَدْتَ وَأَيَّدَكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ وَأَخْلَصَكَ وَاجْتَبَاكَ فَمَا تَنَاقَضَتْ

راهنمایی فرمود، و در گردونه خلوص قرار داد، و تو را برگزید، کردارهایت ضد و نقیض

أَفْعَالُكَ وَلَا اخْتَلَفَتْ أَقْوَالُكَ وَلَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالُكَ وَلَا أَدَّعَيْتَ وَ

نشد، گفتارهایت اختلاف نیافت، حالاتت زیرورو نگشت، ادعای بیهوده نکردی، و بر

لَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَلَا شَرِهْتَ إِلَى الْحُطَامِ وَلَا دَسَسْتَ الْأَنْثَامَ وَ

خدا دروغ نبستی، و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی، گناهان تو را آلوده نساخت، همواره

لَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَيَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى

امورت بر پایه برهانی از سوی پروردگارت بود، در کار خود بر یقین بودی، به سوی حق

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. أَشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا وَأَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمٍ صِدْقٍ أَنَّ مُحَمَّدًا وَ

و راه مستقیم هدایت می نمودی، شهادت می دهم شهادت حق، سوگند می خورم سوگند

أَلَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ

صدق، که محمد و خاندانش (درود خدا بر آنان باد) سروران خلقند، و اینکه تو مولای

وَأَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّهُ وَأَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ وَوَارِثُهُ.

من و مولای همه مؤمنانی، تو بنده خدا و ولی او و برادر و جانشین و وارث او هستی.

معرفت امیرالمومنین علیه السلام در گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله

فراز هجدهم

وَأَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَبِكَ

و او گوینده این سخن به حضرت توست: سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان

وَلَا أَقْرَبَ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِكَ وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى

نیلورد آن که به تو کافر شد، و به خدا اقرار ننمود آن که به انکار تو برخاست، گمراه شد کسی که مردم را از

اللهِ وَلَا إِلَهِيَّ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ، وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ: وَإِنِّي

تو بازداشت، و به سوی خدا و به جانب من راه نیافت، و این گفتار پروردگار من عز و جل است: من

لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى، إِلَى وَلَا تَيْتَكَ.

آمر زنده‌ام آن کس را که توبه کرد، و ایمان آورد، و عمل شایسته انجام داد، سپس به سوی ولایت تو راه یابد.

از همه زیانکار تر کیست؟

فراز نوزدهم

مَوْلَايَ فَضْلَكَ لَا يَخْفَى وَ نُورَكَ لَا يُطْفَأُ [لَا يُطْفِئُ] وَأَنْ

مولای من فضل تو مخفی نمی‌ماند، و نورت خاموش نگردد، و آن که تو

مَنْ جَحَدَكَ الظُّلُومُ الْأَشَقَّى. مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ

را انکار کند ستمکار و بدبخت است، مولای من تو حجت بر بندگان و

وَالْهُدَايَ إِلَى الرَّشَادِ وَالْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ. مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ

راهنمای به سوی راه راستی، و ذخیره روز معادی، مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند کرد،

فِي الْأُولَىٰ مَنْزِلَتِكَ وَ أَعْلَىٰ فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتِكَ وَ بَصْرَكَ

و درجه‌ات را در آخرت والا گردانید، و بینایت نمود به آنچه بر کسی که با تو

مَا عَمِيَ عَلَىٰ مَنْ خَالَفَكَ وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ

مخالفت کرد پوشیده ماند، و بین تو و موهبت‌های خدا حجاب شد، لعنت خدا بر

لَكَ، فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَ ذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ،

حلال شمارندگان حرمت، و دفع کنندگان حقت، و شهادت می‌دهم که آنان از

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ الَّذِينَ تَلَفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارَ وَ هُمْ

زیانکارترین مردمی هستند که آتش چهره آنان را می‌سوزاند، و در میان دوزخ

فِيهَا كَالْحُجُونَ.

زشت و عبوس هستند.

معرفت امیرالمومنین علیه السلام از زبان خودش و رسول خدا

فراز بیستم

أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَ لَا أَجْمَعْتَ وَ لَا نَطَقْتَ وَ لَا

و شهادت می‌دهم که اقدام نکردی، و قدم به عقب نگذاشتی، و سخن نگفتی و باز نایستادی

أُمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ. قُلْتُ: وَ الَّذِي

مگر به فرمان خدا و رسولش. خود فرمودی: سوگند به آن که جانم در دست اوست، رسول

نَفْسِي بِيَدٍ لَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) به من نظر کرد، درحالی که پیش قدمانه شمشیر

إِلَيْهِ أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَمًا، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ
 می‌زدم، ایشان به من فرمود: ای علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به موسی، جز
 هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَاعْلَمْكَ أَنَّ
 اینکه بعد از من پیغمبری نیست، و من تو را خبر می‌دهم که مرگ و زندگی تو با من و براساس
 مَوْتِكَ وَحَيَاتِكَ مَعِيَ وَ عَلَى سُنَّتِي. فَوَاللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَ
 راه و رسم من است، به خدا سوگند دروغ نگفتم، و به من دروغ گفته نشد، و گمراه نشدم و
 لَا كَذِبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي وَلَا لَسِيتُ مَا عَهْدَ
 کسی به وسیله من گمراه نشده، و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکردم، من
 إِلَيَّ رَبِّي وَإِنِّي لَعَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي بَيْتُهَا لِنَبِيِّهِ وَبَيْتُهَا
 بر برهانی از سوی پروردگارم هستم که برای پیامبرش بیان نموده و پیامبر نیز برای من بیان
 النَّبِيِّ لِي وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الْفَظْهُ لَفْظًا.
 داشته‌ام است و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می‌گویم با صراحت تمام.

دانا و نادان یکسان نیستند

فراز نیست و یکم

صَدَقْتَ وَاللَّهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ
 ای امیر مؤمنان به خدا سوگند راست گفتی، و حق گفتی، پس خدا لعنت کند کسی را که تو را با
 وَاللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ،
 آن که با تو دشمنی کرد برابر قرار داد، درحالی که خدا می‌فرماید: آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی
 فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَا يَتَّكَ
 که نمی‌دانند برابرند؟ پس خدا لعنت کند کسی را که مساوی تو قرار داد، آن کس را که خدا ولایت

وَأَنْتَ وَلِيُّ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ.

را بر او واجب کرد، و حال اینکه تولى خدايى، و برادر رسول خدايى و دفاع کننده از دين خدايى.

باز هم فضایل امیرالمومنین علیه السلام در قرآن

فراز بیست و دوم

وَالَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ

و کسی هستی که قرآن به برتری اش گویاست، خدای تعالی فرمود: خدا جهادکنندگان را بر

عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ

نشیستگان برتری داد به اجرى بزرگ، درجات و مغفرت و رحمت از جانب او برای جهادکنندگان

غُفُورًا رَحِيمًا، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ

است، و خدا همواره آمرزنده و مهربان است و خدای تعالی فرمود: آیا ابدی به حاجیان و آباد داشتن

الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ

مسجد الحرام را قرار داده‌اید همانند آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده، و در راه خدا جهاد کرده

عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَ

است؟ هرگز پیش خدا برابر نیستند، خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. آنان که ایمان آورده‌اند و

جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ

هجرت کردند، و در راه خدا با اموال و جانهایشان جهاد کردند، از جهت مقام به نزد خدا برترند، و ایشان

هُمْ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا

رستگارانند، نویشان می دهد پروردگارشان به رحمتی از جانب خود و خوشنودی، و بهشتی که در

نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ.

انها نعمت پایدار برای آنان باشد. در آن بهشتها جاودانند، به راستی که نزد خدا پاداشی بزرگ است.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْخُصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ الْخُلُصِ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَى

شهادت می‌دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته‌ای، و مخلص در طاعت خدایی، برای

بدلأَوْلَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ

هدایت جایگزینی نجستی، و در بندگی پروردگارت احدی را شریک نساختی، خدای تعالی دعای

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيكَ دَعْوَتَهُ ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ

پیامبرش (درود خدا بر او و خاندانش) را در حق تو اجابت کرد، سپس اظهار آنچه تو را سزاوار

لِأُمَّتِهِ إِعْلَاءً لِشَأْنِكَ وَإِعْلَانًا لِبَرِّهَانِكَ وَدَخْضًا لِلْبَاطِلِ وَ

حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد، برای بالا بردن شأنت، و علنی ساختن برهانت، و

قَطْعًا لِلْمَعَازِيرِ فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ وَاتَّقَى فِيكَ الْمُنَافِقِينَ

دفع باطلها، و بریدن بهانه‌ها، پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمناک شد، و درباره تو در برابر

أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ

مناققان نگران شد، پروردگار جهانیان به او وحی کرد: ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل

رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ،

شده به مردم برسان، اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده‌ای، خدا تو را از مردم حفظ می‌کند. پس او

فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْزَارَ الْمَسِيرِ وَنَهَضَ فِي رَمْضَاءِ الْحَجْرِ، فَطَبَّ

بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد، و در حرارت شدید نیمه روز برخاست، سخنرانی کرد

وَأَسْمَعَ وَنَادَى فَاذْبَلَّخَ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْعَ فَقَالَ هَلْ بَلَغْتُ فَقَالُوا

و شنواند، و فریاد زد، پس پیام حق را رساند، سپس از همه آنها پرسید: آیا رساندم؟ گفتند: به خدا

اللَّهُمَّ بَلَى فَقَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ

قسم آری. فرمود: خدایا شاهد باش. سپس به مردم خطاب کرد: آیا من آن نیستم که به مؤمنان از

أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا بَلَى فَأَخَذَ يَدَكَ وَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا

خود آنان سزاوارترم؟ گفتند: آری، پس دست تو را گرفت، و فرمود: هر که را که من مولای اویم، پس

عَلَى مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالْ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَاصْرَمَنْ

این علی مولای اوست، خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد، و دشمن بدار هر که او را دشمن

نَصْرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ». فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ

دارد، و یاری کن کسی را که یاری اش کند، و یاری مکن هر که او را یاری نرساند. پس به آنچه خدا

إِلَّا قَلِيلٌ وَلَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَحْسِينِ.

درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده ای اندک، و اکثرشان را نیز خود جز زیانکاری.

ولایت امیرالمومنین علیه السلام در قرآن

فرازیست و چهارم

وَلَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَهُمْ كَارِهُونَ: يَا أَيُّهَا

پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد در حالی که آنان دوست نداشتند:

الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر که از شما از دینش برگردد، خدا به زودی قومی

اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى

را بیاورد، که آنها را دوست دارد، و آنها هم خدا را دوست دارند، بر مؤمنان نرمند، و بر

الْكَافِرِينَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً
 كَافِرَانِ سَخَتْ، در راه خدا جهاد کنند، از ملامت سرزنش کنندگان نمی ترسند، این است
 لَائِمٌّ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.
 فضل خدا، به هر که بخواهد عنایت می کند، خدا گسترنده و دانا است. جز این نیست
 إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
 که ولی شما خدا و رسول او و همه آنان هستند که ایمان آورند، آنانی که نماز را بر
 الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ
 پا می دارند و زکات می دهند، درحالی که رکوع کننده اند، و هر که خدا و رسولش و
 رَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. رَبَّنَا آمَنَّا
 کسانی که ایمان آوردند به ولایت گیرد، پس حزب خدا حزب پیروز است. پروردگارا به
 بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. رَبَّنَا لَا
 آنچه نازل کردی ایمان آوردیم، و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را با گواهان بنویس.
 تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ
 پروردگارا دلهای ما را پس از آنکه هدایتیمان کردی منحرف مساز، و به ما از نزد خود
 أَنْتَ الْوَهَّابُ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ
 رحمتی ببخش، که تو بسیار بخشنده ای. خدایا ما می دانیم که این گفتار از نزد تو حق
 فَالْعَنْ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ.
 است، پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد، و به آن کبر ورزید، و آن را تکذیب
 وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.
 کرد، و کافر شد. و زود است بدانند کسانی که ستم کردند، به چه بازگشت گاهی برگردند.

القاب و اوصاف دیگر از امیرالمومنین علیه السلام

فرازیست و پنجم

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ أَوَّلَ الْعَابِدِينَ وَ
سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان، و رأس عبادت کنندگان، و
أَزْهَدَ الزَّاهِدِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ.
پارساترین پارسایان، و رحمت خدا و برکات و درووها و تحیاتش بر تو باد.

امیرالمومنین علیه السلام در قرآن

فرازیست و ششم

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرَ الْوَجْهِ اللَّهُ لَا
تویی خوراندنده طعام در حال دوست داشتن آن، به درمانده و یتیم و اسیر، تنها به
تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا وَ فَيَكْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ يُؤْثِرُونَ
خاطر خشنودی خدا، که از آنها پاداش و سپاسی نمی خواستی، و خدای تعالی
عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ
در حق تو چنین گفت: دیگران را بر خود ترجیح می دهند، گرچه خود تهیدست
هُمْ الْمُفْلِحُونَ وَ أَنْتَ الْكَاطِمُ الْغَيْظِ وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ
باشند، هر که از بخل و جودش محفوظ ماند پس آنانند رستگاران، تویی فروبرنده
يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبُاسِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ،
خشم، و گذشت کننده از مردم، و خدا نیکوکاران را دوست دارد، تویی صبرکننده در
وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسُّوْيَةِ وَ الْعَادِلُ فِي الرِّعْيَةِ وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ
تنگدستی و پیریشان حالی و به هنگام جنگ، تویی بخش کننده به برابری، و دادگر در

مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ، وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ
 میان مردم، و آگاه به مقررات خدا، از میان همه انسانها، خدای تعالی خبر داد از آنچه
 بَقَوْلِهِ: أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ. أَمَّا
 سزاوار کرده تو را از فضلش به این که گفت: آیا کسی که مؤمن است همانند کسی
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى
 است که فاسق است؟ هرگز برابر نیستند. کسانی که ایمان آورده اند، و کار شایسته
 نَزَلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. وَأَنْتَ الْخُصُوصُ
 کردند، برای آنها بهشت های خویش است، جایگاه جهت پذیرایی به پاداش آنچه انجام
 بَعْلُمُ التَّنْزِيلِ وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ وَنَصِّ الرَّسُولِ.
 دادند، و تویی اختصاص یافته به علم قرآن، و حکم تأویل، و صریح گفتار پیامبر.

امیرالمومنین علیه السلام در جنگ بدر و احزاب

فرایست و هفتم

وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ وَالْأَيَّامُ
 و تو راست موقعیتهای گواهی شده، و مقامات مشهور، و روزهای یاد شده، روز
 الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَحْزَابِ، إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ
 بدر، و روز احزاب، آن زمان که چشمها منحرف شد و جانها به گلوها رسید، و به خدا
 وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا، هُنَالِكَ
 گمان می بردید، گمانهای گوناگون. در آنجا اهل ایمان آزمایش شدند، و دچار
 ابْتَلَى الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا. وَإِذْ يَقُولُ
 تزلزل روحی گشتند، تزلزل سخت. آن هنگام اهل نفاق و آنان که در دلهایشان

الْمُتَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

بیماری بود گفتند: خدا و رسولش جز فریب به ما وعده ندادند. و در آن زمان

إِلَّا غُرُورًا. وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ

گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه جایی برای شما نیست، بازگردید، و جمعی

لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ

از آنان از پیامبر اجازه می خواستند، می گفتند: خانه های ما بزر و بی حفاظ است و

يُوتِنَا عَوْرَةً وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا. وَقَالَ

حال آنکه بی حفاظ نبود، آنان جز فرار از جنگ قصدی نداشتند، و خدای تعالی

اللَّهُ تَعَالَى: وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا

فرمود: همین که اهل ایمان دسته های کفر و شرک را دیدند گفتند: این همان است

اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا

که خدا و رسولش به ما وعده داد، خدا و رسولش راست گفتند، و آنان را نیز فزود

و تَسْلِيمًا. فَقَتَلَتْ عَمْرُهُمْ وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ

مگر ایمان و تسلیم، پس عمرو قهرمان آنها را کشتی، و جمع آنان را فراری دادی، و

كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمَنْ يَأْلُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَ

خدا آنان را که کافر بودند با خشمشان بازگرداند، درحالی که به غنیمتی دست

كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا.

نیافتند، و خدا جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد، و خدا نیرومند و عزیز است.

وَيَوْمَ أَحَدٍ إِذْ يُصْعِدُونَ وَلَا يَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَ
 الرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ، وَأَنْتَ تَدُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ
 پیامبر آنان را از پشت سرشان به کارزار دعوت می کرد، تو بودی که مشرکان را برای
 عَنْ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشَّامَلِ حَتَّى رَدَّاهُمْ اللَّهُ تَعَالَى
 حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می کردی، تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان
 عَنْكُمْ خَائِفِينَ وَنَصْرَبَكَ الْخَازِلِينَ
 بودند از شما دو بزرگوار برگرداند، و مسلمانان شکست خورده را به وسیله تو یاری کرد.

امیرالمومنین علیه السلام در جنگ حنین

فرز بیست و نهم

وَيَوْمَ حَنْيْنٍ عَلَى مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ: «إِذْ أَعْجَبْتُكُمْ كَثْرَتُكُمْ
 وروز حنین، بنابر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد: «(زمانی که نفرت زیاد شما
 فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ
 باعث شگفتی شما شد، ولی شما را به هیچ وجه بی نیاز نکرد، و زمین با آن فراخی اش
 وَلَيْتُمْ مُدْبِرِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ،
 بر شما تنگ شد، سپس روی گردانده فرار کردید. آنگاه خدا آرامش خود را بر رسولش
 وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ. وَعَمَّتِ الْعِبَاسُ يُنَادِي الْمُنْهَزِمِينَ:
 و بر مؤمنان نازل فرمود». «(مؤمنان) تو بودی و همراهانت، و عمویت عباس
 يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمُ
 شکست خوردگان را صدامی زد: ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیعت شجره، تا جماعتی

قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمُتُونَةَ وَتَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمُعُونَةَ، فَعَادُوا آيِسِينَ
به او پاسخ دادند، که تو رنج آنها را کفایت کردی، و به جای آنها کمک را عهده‌دار

مِنَ الْمُتُونَةِ، رَاجِينَ وَعَدَ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ

شده، پس نومید از پاداش برگشتند، و امیدوار به وعده خدای تعالی به توبه، و این

ذِكْرُهُ: «ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مَنْ بَعْدَ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ» وَأَنْتَ حَائِزٌ

است سخن خدا که عظیم بادش: «انگاه خدا توبه می‌پذیرد پس از آن، توبه کسی

دَرَجَةِ الصَّبْرِ فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ.

را که بخواهد، درحالی که تو درجه صبر را به دست آوردی، و به اجر بزرگ پیروز شدی.

امیرالمومنین علیه السلام در جنگ خیبر

فراز سی ام

وَ يَوْمَ خَبِيرٍ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ خَوَرَ الْمُنَافِقِينَ

و روز خیبر آنگاه که خداوند سستی منافقان را آشکار ساخت

وَ قَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَ

وریشه کافران را قطع فرمود. و حمد، تنها برای خدای رب العالمین است. و

لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ

به راستی پیش از آن با خدا پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند.

وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

و درباره پیمان خدا پرسیده می‌شود.

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ وَالْحُجَّةُ الْوَاضِحَةُ وَالنَّعْمَةُ السَّابِغَةُ وَ

مولای من تویی حجت رسا، و راه روشن، و نعمت کامل، و برهان تابناک، پس گوارا

الْبَرْهَانُ الْمُبِينُ فَهَيِّنَا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ وَتَبَا لَشَانِكَ ذِي

برهان تور، آنچه خدا از برتری به تو داد، و نابود باد دشمن نادان، با پیامبر (دروود خدا بر

الْجَهْلُ. شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَ

او و خاندانش) در تمام جنگها و تبردهایش حاضر بودی، پیشاپیش پرچم اسلام را

مَغَازِيهِ تَحْمِلُ الرَّايَةَ أَمَامَهُ وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ حَزَمْتَ

به دوش می کشیدی، و در برابرش شمشیر می زدی، سپس تنها برای تدبیر و کردانی

الْمَشْهُورِ وَبَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ أَمَرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَلَمْ يَكُنْ

مشهودت و بینایی ات در امور، در تمام میدانها تو را به فرماندهی می گماشت، و امیری بر

عَلَيْكَ أَمِيرٌ، وَكَمِ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّتِي وَ

تو نبود، چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیمت در آنها شد، اما دیگران در مثل آن از

اتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهُوَى فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ

هوای نفس پیروی کردند، پس نادانان گمان بردند، که تو از آنچه آنها به آن رسیدند عاجز شدی، به

اتَّهَى، ضَلَّ وَاللَّهُ الظَّانُّ لَذَلِكَ وَمَا اهْتَدَى وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا

خدا قسم گمان کننده این چنین گمراه شد و راه نیافت، و تو واضح ساختی آنچه مشکل

أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمُوا وَآمَرْتَنِي بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ:

شده بود از این امور، برای آن که توهم و تردید کرد به گفتارت، درود خدا بر تو که فرمودی:

« قَدِيرَى الْحَوْلِ الْقَلْبُ وَجَهَ الْحِيلَةِ وَذُوْنَهَا حَاجِزٌ مِنْ
 گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند، ولی در برابرش پرده ای از تقوای
 تَقْوَى اللَّهِ فَيَدْعُهُمَا رَأْيِ الْعَيْنِ وَيَتَهَيَّزُ فُرْصَتَهُمَا مِنْ لَا حَرِيْجَةَ
 خداست، در نتیجه آگاهانه آن را واگذارد، ولی فرصت آن را غنیمت می داند
 جَرِيْحَةً لَهُ فِي الدِّينِ » ، صَدَقَتْ وَاللَّهُ وَخَسِرَ الْبَطِلُونَ .
 کسی که در امر باکی ندارد، به خدا سوگند راست گفتی، و یاهو سربان دچار زیان شدند.

بیعت شکنی طلحه و زبیر

فراز سی و دوم

وَإِذْ مَا كَرِهَ النَّاسُ كَثَانٌ فَقَالُوا نُرِيدُ الْعُمَرَةَ فَقُلْتُ لَهُمَا: «لَعَمْرُكَمَا
 هنگامی که آن دو عهدشکن [طلحه و زبیر] با تو به فریبکاری برخاستند، و گفتند قصد عمره داریم، به
 تُرِيدَانِ الْعُمَرَةَ لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغُدْرَةَ» فَأَخَذْتُ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا وَ
 آنان گفتی: به جان خودتان قسم، قصد عمره ندارید، بلکه قصد خیانت دارید، در نتیجه از آن دو نفر
 جَدَّدْتُ الْمِيثَاقَ فَجَدَّاهُ فِي النِّفَاقِ، فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا أَغْفَلَا وَ
 بیعت گرفتی، و پیمان را محکم کردی، پس در نفاق کوشیدند، آمازمانی که بر کار نادرستان آگاهشان
 عَادَا وَمَا اتَّفَعَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا .

کردی، بی توجهی کردند، و به کار خویش یازگشتند، ولی پھر ممند نشدند، و سرانجام کار هر دو خسران شد.

نافرمانی و جنگ اهل شام

فراز سی و سوم

ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسِرَتْ إِلَيْهِمُ بَعْدَ الْإِعْذَارِ وَهُمْ لَا يَدِينُونَ
 سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند، و تو پس از بستن راه غدر بر آنان به سوییان

دِينَ الْحَقِّ وَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجٌ رَعَاعٌ ضَالُونَ وَبِالَّذِي
 حرکت کردی؛ ولی آنها به دین حق گردن ننهادند. و در قرآن تدبّر نمودند، بی خردان پست
 أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ كَافِرُونَ وَلَا أَهْلَ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ،
 و گمراهان ناجوانمرد، به آنچه در حق تو بر محمد نازل شده بود کافرند، و یاوران مخالفان تو هستند
 وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَنَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى نَصْرِكَ وَقَالَ
 درحالی که خدا به پیروی از تو امر کرد، و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند، و فرمود
 عَزَّوَجَلَّ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ.
 خدای عز و جل: ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را پروا کنید، و با راستگویان باشید.

سابقه در جهاد

فراز سی و چهارم

مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَقَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَأَوْضَحْتَ الشُّنَنَ بَعْدَ
 مولای من حق به دست تو نمایان شد، درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند، و تو سنت های
 الدُّرُوسِ وَالطَّمَسِ. فَلَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ وَ
 پیامبر را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی، تو راست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن، و
 لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ. وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ جَا حِدُ
 تو راست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تاویل، و دشمن تو دشمن خدا، و انکارکننده رسول خدا
 لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بِاطِلَالٍ وَيَمْحُكُمُ جَائِرًا وَيَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَيَدْعُو
 است، دعوت می کند دعوت باطل، قضاوت می کند به ستم، فرمان می دهد

حِزْبُهُ إِلَى النَّارِ
 غاصبانه،

وَعَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَيُنَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ: الرَّوَاحُ الرَّوَاحُ إِلَى الْجَنَّةِ.

در حالی که عمار جهاد می کرد و میان دو لشکر فریاد می زد: کوچ کنید، کوچ کنید به سوی

وَلَمَّا اسْتَسْقَى فُسْقِيَ اللَّبَنَ كَبْرًا وَقَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

بهشت، و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت: رسول خدا (درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَاخٌ مِنْ لَبَنٍ، وَ

خدا بر او و خاندانش) به من فرمود: آخرین نوشیدنی ات از دنیا مخلوطی است از شیر و آب،

تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاقِيَّةُ، فَأَعْرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ.

و گروه سرکشان تو را می کشند. پس ابوالعادیة فزاری به او ضربه زد و او را کشت.

فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَلَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ أَجْمَعِينَ وَ

پس لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران بر ابوالعادیة و بر هر کسی که

عَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَسَلَّتْ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

شمشیر به روی تو کشید، و تو بر او شمشیر کشیدی، ای امیر مؤمنان، از مشرکان

مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَعَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا

و منافقان تا روز قیامت، و بر آن که خشنود شد به آنچه تو را غمگین ساخت، و غم تو را

سَاءَكَ وَلَمْ يَكْرَهُهُ وَأَغْمَضَ عَيْنَهُ وَلَمْ يُنْكِرْ أَوْ أَعَانَ

ناخوش نداشت و دیده بر هم نهاد و بی تفاوت گذشت، و علت و عاملش را انکار نکرد،

عَلَيْكَ يَدٌ أَوْ لِسَانٌ أَوْ قَعْدَعَنْ نَصْرِكَ أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ
 يَا عَلَيْهِ تُو، به دست و زبان کمک کرد، یا از یاری تو دست کشید، یا از جهاد نمودن به همراه
 أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَ جَحَدَ حَقَّكَ أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أُولَى
 تو، کناره گیری کرد، یا فضل تو را کوچک شمرد، و حَقَّتْ را انکار کرد، یا با تو برابر نمود
 بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ
 کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به او از خود او، و درودهای خدا و رحمت و برکات
 وَ تَحِيَّاتُهُ وَ عَلَى الْأَنْبِيَةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.
 و سلام و تحیاتش بر تو و بر امامان از خاندان پاک تو، که او ستودنی و والا مقام است.

غضب فدک

فراز سی و هفتم

و الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخُطْبُ الْأَفْظَعُ بَعْدَ مَجْدِكَ حَقَّكَ غَضَبُ
 و امر عجیب تر و حادثه ناگوارتر بعد از غصب امامت تو و انکار حقت، این بود
 الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَدْكَاً وَ رَدُّ شَهَادَتِكَ
 که فدکِ صدیقِ طاهره حضرت زهرا سلام الله علیها، سرور تمام زنان، غصب شد و شهادت شما دو
 وَ شَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سُلَاطَتِكَ وَ عِترَةِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ
 سرور نسل شما و خاندان پیامبر - امام حسن و امام حسین علیهما السلام - رد شد. صلوات خدا بر شما اهل بیت باد.
 عَلَيْكُمْ، وَ قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَ
 و این در حالی بود که خدای تعالی مقام شما اهل بیت را بر تمام امت بالاتر و برتر قرار داد و
 رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ، وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ
 جایگاه شما را بالا برد و فضیلتان را آشکار ساخت و بر همه ی جهانیان شرافت تان بخشید.

فَاذْهَبْ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

که هر پلیدی را از شما هل بیت دور کرد و کاملاً پاک و طاهر تان نمود. خدای تعالی فرموده است: به درستی که انسان، ناشکیبا خلق شده

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ

است، هروقت بدی به او برسد، سخت ناراحت می شود و هرگاه خیری به او برسد، مانع از رسیدن آن به دیگران می گردد: جز نماز گزاران.

مَنْوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ. فَاسْتَنْفَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَأَنْتَ يَا

ای سرور جانشینان پیامبران! خدای تعالی پیامبر برگزیده اش و شما را از جمیع خلائق

سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ. فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ،

استثنا نمود. پس جعفر از دین حق کور بودند کسانی که به شما ظلم کردند.

ثُمَّ أَفْرُضُوكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَىٰ مَكْرًا وَأَحَادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ

سپس از روی مکر و فریب دادن مردم، به شما سهم از ذوی القربی دادند و به ستم، آن را از صاحبان اصلی اش منحرف کردند.

جَوْرًا فَلَمَّا آلَ الْأَمْرِ إِلَيْكَ أَجْرِيَّتَهُمْ عَلَىٰ مَا أَجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا

پس هنگامی که امر خلافت ظاهری به شما رسید، به دلیل بی رغبتی به فداک و سهم ذوی القربی و بیای رغبتی به

بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ، فَأَشْبَهْتَ مُحْتَكَّ بِهِمَا مَحْنِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ

آن دو نفر (خلفه های اول و دوم) و رغبت به آنچه نزد خداست، نسبت به آن صاحبان، مانند آن دو نفر عمل کردی،

السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْأَنْصَارِ.

پس گرفتاری ات با آن دو نفر همانند گرفتاری و مشکلات پیامبران هنگام تهایی و بی یآوری بود.

شبهات امیرالمومنین علیه السلام به حضرت اسماعیل علیه السلام

فرازی و هشتم

وَأَشْبَهْتَ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ

و اطاعت نمودی به همان صورت که اسماعیل، صابرا نه و پاداش خواهانه اطاعت

أَجَبْتُ كَمَا أَجَابَ وَأَطَعْتُ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا إِذْ
 کرد، وقتی که ابراهیم به او گفت: «پسرم در خواب دیدم که ترا ذبح می‌کنم، بنگر
 قَالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى
 که رأی تو چیست» گفت: «پدر به آنچه دستور داده شده‌ای اقدام کن، اگر خدا
 قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ. وَ
 بخواهد مرا از بردباران خواهی یافت»، و تو نیز زمانی که پیامبر (درود خدا بر او و
 كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمَرَكَ أَنْ
 خاندانش) در بسترش خوابانددت و به تو فرمان داد در خوابگاهش بیارامی، و او را
 تَضَجَّ فِي مَرَقَةٍ وَاقِيَالَهُ بِنَفْسِكَ أَسْرَعَتْ إِلَى إِبَابَتِهِ مُطِيعًا وَ
 با جانت از شردشمنان حفظ کنی، فرمانبردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی، و
 لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ وَ أَبَانَ
 خورا برای کشته شدن آماده کردی، در نتیجه خدا از فرمان‌برداریت قدردانی کرد، و
 عَنْ جَمِيلٍ فَعِلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ :

از کار زیباییت به گفتارش جل ذکره در قرآن پرده برداشت، آنجا که فرمود: «و از

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
 مردم کسی است که جانش را برای بدست آوردن خوشنودی خدا می‌فروشد.»

شبهات امیرالمومنین علیه السلام به جناب هارون علیه السلام

فراز سی و نهم

ثُمَّ مُحْتَشَكَ يَوْمَ صِفِّينَ، وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيلَةً
 سپس گرفتاریت در جنگ صفین، درحالی که قرآن‌ها از روی حیل و فریب به نیزه‌ها بالا

و مَكَرًا فَأَعْرَضَ الشَّكُّ وَ عُرِفَ الْحَقُّ وَ اتَّبَعَ الظَّنُّ

رفته بود، در نتیجه شك و تردید پیدا شد، و حق به يك سو افتاد، و از گمان پیروی شد، این

أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَقَرَّ قُوا

گرفتاریات شبیه به گرفتاری هارون شد، زمانی که موسی او را بر قوم خود امارت داد، آنها

عَنْهُ، وَ هَارُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَيَقُولُ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَ

از او پراکنده شدند، هارون بر سر آنان فریاد می زد و می گفت: ای مردم شما به گوساله

إِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي، قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ

ازمایش شده اید در حالی که پروردگار شما خدای بخشنده است، اینک از من پیروی کنید و

عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى. وَكَذَلِكَ أَنْتَ

از دستورم پیروی نمایید، گفتند همچنان روی آور به گوساله خواهیم بود، تا موسی به سوی

لَمَّا رَفَعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتُ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَ خُدْعَتُمْ،

ما باز گردد!! او همچنین تو ای امیر مومنان، همین که قرآنها بالا رفت گفتی: ای گروه! شما

فَعَصَوْكَ وَ خَالَفُوا عَلَيْكَ وَ اسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمِيِّينَ

به آن ازمایش شدید و گرفتار نیرنگ گشته اید، اما از خواسته تو سرپیچی کردند، و با حضرتت به

فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَ تَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ قَوَّضْتَهُ

مخالفت برخاستندی، و گماشتن دو داور را از تو تقاضا نمودند، تو از تقاضای آنان سرباز

إِلَيْهِمْ. فَلَمَّا أَصْفَرَ الْحَقُّ وَ سَفِهَ الْمُنْكَرُ وَ اعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ

زدی، و از عمل آنان به سوی خدا بیزارى جستی، و آن را به خودشان وا گذاشتی، پس

وَ الْجَوْرَ عَنِ الْقَصْدِ، اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ وَ الزَّمُوكَ عَلَى

زمانی که حق آشکار شد، و خطای منکر روشن گشت، و به لغزش و انحراف از راه

سَفَهُ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتُهُ وَأَحْبُوهُ وَحَظَرْتُهُ وَأَبَاخُوا
 حق اعتراف کردند، پس از آن دچار اختلاف شدند، و از روی بی‌خردی تو را مجبور
 ذَنْبُهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ، وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهُدًى
 به پذیرفتن حکمت کردند، حکمتی که از آن سرباز زدی و آنان می‌خواستند و تو از آن
 وَهُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَعَمَى. فَمَا زَالُوا عَلَى التَّفَاقِ
 باز داشتی، روا دانستند گناهانشان را که مرتکب شدند، تو بر راه بینایی و هدایت بودی، و
 مُصِرِّينَ وَفِي الْعِيِّ مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهَ وَبَالَ
 ایشان بر روشهای گمراهی و کوری، همچنان بر نفاق اصرار داشتند، و در گمراهی سرگردان
 أَمْرِهِمْ. فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَكَ فَشَقِيٍّ وَهَوَى وَأَحْيَا
 بودند، تا خدا سنگینی کار ناپسندشان را به آنان چشاند، و کسی را که با تو دشمنی کرد با
 بِحِجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهُدًى. صَلَّوْا تُ اللَّهُ عَلَيْكَ غَادِيَةً وَ
 شمشیرت به نابودی کشید، پس بدبخت و نگویند، و با حجت تو زنده کرد کسی را که
 رَاحَةً وَعَاكِفَةً وَذَاهِبَةً فَمَا يَحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفَكَ وَ
 سعادت یافت، و راهنمایی شد. درود خدا بر تو باد بامداد و شامگاه، در حضر و در سفر. بر
 لَا يُحْبُطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ.

وصفت مدح‌کننده‌ای احاطه نکند، و عیب‌جویی برتری‌ات را نابود ننماید.

علی امیرالمومنین علیه السلام از همه والاتر است

فراز چهلم

أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَأَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً وَأَذْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ.
 تو در عبادت بهترین خلقی، و در پارسایی خالص‌ترین آنانی، و در دفاع از دین

أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهْدِكَ [بِجَهْدِكَ] وَفَلَّتْ عَسَاكِرُ الْمَارِقِينَ

سرسخت‌ترین ایشان، با کوشش حدود خدا را بپا داشتی، و با شمشیرت اردوهای افراد خارج

بسیفک، تَحْمَدُ هَلَبَ الْحُرُوبِ بَيَانِكَ وَتَهْتِكُ سُتُورَ الشَّبهِ

از دین را فراری دادی، با سرانگشته‌های شعله جنگها را خاموش ساختی، و با بیانت

بیانک، وَتَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ

برده‌های شبهه را دریدی، و آمیختگی باطل را از حق روشن برطرف کردی، سرزنش هیچ

فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَا يَمُ. وَفِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ مَدْحِ

سرزنش کننده‌ای تو را در راه خدا نگرفت، مدح خدای تعالی تو را بی نیاز کرد از مدح مداحان

الْمَدْحِينَ وَتَقْرِظُ الْوَاصِفِينَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و ستایش وصف کنندگان، خدای تعالی فرمود: از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا

رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ

بر آن پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند، گروهی بر سر پیمان خود به شهادت رسیدند،

وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا».

و جمعی از آنان انتظار می‌کشند، و به هیچ روی تغییر نکردند.

شهادت امیرالمومنین علیه السلام

فراز چهل و یکم

وَلَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ قَتَلْتَ النَّاصِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ وَ

زمانی که دیدی پیمان‌شکنان و ستمکاران و بیرون‌رفندگان از دین را کشتی، و

صَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَدَهُ فَأَوْفَيْتَ بَعْدَهُ،

رسول خدا (که درود خدا بر او و خاندانش باد) وعده‌اش را به تو راست گفته بود،

قُلْتُ: أَمَا أَنْ تَخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ أَمْ مَتَى يُعِثُّ أَشْقَاهَا؟

وتوهم به عهدش وفا کردی، گفتی: آیا وقت آن نرسیده که این محاسن به خون سر رنگین شود؟، یا چه زمان

و اِثْقَابُكَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ وَبَصِيرَةٌ مِنْ أَمْرِكَ قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ

بدبخت‌ترین فرد برای این کلر بر لنگیخته می‌شود، اطمینان دلشستی به اینکه بر پایه برهانی از پروردگارت و بصیرت

مُسْتَبْشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ «وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

از کلر خود هستی، و اوردشونده بارگه خدایی، شادان به معامله‌ای که انجام ددی، و این است آن رستگاری بزرگ.

لعن و صلوات دو جلوه‌ی تبری و تولی؛ پایان بخش زیارت

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَ

خدایا! کشتندگان پیامبرانت، و جانشینان انبیایست را به تمام لعنت‌های لعنت کن، و آنان را

أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ وَالْعَنْ مَنْ غَضِبَ وَلَيْكَ حَقُّهُ وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ

ملازم حرارت آتشت گردان، و لعنت کن کسی را که حق ولایت را غصب کرد، و پیمانش

وَحَجَّكَ بَعْدَ الْيَقِينِ وَالْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ.

را انکار نمود، و او را پس از یقین و اقرار به ولایتش روزی که دین را برای او کامل کردی

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ ظَلَمَهُ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ.

منکر شد، خدایا قاتلان امیر مؤمنان و کسانی که به او ستم کردند، و پیروان و یاران آنان را

اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ وَالتَّابِعِينَ عَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ

لعنت کن. خدایا ستم کنندگان بر حسین را لعنت کن، و همچنین قاتلان، و پیروی کنندگان

وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَاذِلِيهِ لَعْنًا وَبِيلًا. اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ

از دشمنش و یاوران دشمنش، و راضیان به قتلش، و دریغ کنندگان از یاری‌اش را لعنت کن، لعنتی شدید و

أَلِ مُحَمَّدٍ وَمَانِعِهِمْ حُقُوقَهُمْ. اللَّهُمَّ خُصَّ أَوَّلَ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ

سخت، خدایا لعنت کن اول ستمکاری را که به خاندان محمد ستم کرد، و آنان را از حقوقشان

لَالِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَكُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

بازداشت، خدایا اول ستمکار و غاصب حق خاندان محمد و هر پیروی کننده از آنچه

عَلَى مُحَمَّدٍ [وَأَلِ مُحَمَّدٍ] خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى عَلَى سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ

او شیوه ساخت تا روز قیامت را به لعنت اختصاص ده. خدایا درود فرست بر محمد خاتم

وَأِلِهِ الظَّاهِرِينَ وَاجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ وَبَوْلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ

پیامبران، و بر علی سرور اوصیا، و خاندان پاکش، و ما را قرار ده از متمسکین به آنان، و

الْأَمِينِ الَّذِينَ «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

از کامیابان به ولایتشان، و ایمانی که نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم

منابع

- قران کریم
نهج البلاغه
اصول کافی
بحار الانوار
مفاتیح الجنان
ترجمه الانوار اللامعه (با اختران تابناک ولایت)
تألیف آیت الله سید عبدالله شبّر
ترجمه دکتر عباسعلی سلطانی گلشیخی
شرح زیارت جامعه کبیره (تفسیر قران ناطق)
تألیف محمدی ری شهری
سیمای عرشیان (شرح زیارت جامعه کبیره)
تألیف کاظم صدیقی
در پیشگاه امام پارسایان (شرح زیارت غدیریه)
تألیف محمدرضا بحرینی
مقاله زیارت غدیریه از منظر روش تفسیری مصداق یابی شماره ۲۴ نشریه
حدیث اندیشه
دانشنامه اینترنتی ویکی شیعه